



یادداشتی از امیر حاج رضایی

جهان پهلوانا صفای تو باد

در یک زمستان سرد و سنگین، «غلامرضا تختی» رفت. رفتنی به مثابه تعبیری از «احمد شاملو» «ستم از شاهنامه رفت.» غم آن سفر ابدی و مظلومیت پهلوان نجیب ما در آن دوران قابل توصیف نیست. جایی که دل شیر، خون شد از دل خودمان چه بگوئیم؟..

صفحه آخر

یکشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۱ - ۲۳ صفر ۱۴۳۴ - ۶ ژانویه ۲۰۱۳



گمانه‌زنی‌ها درباره جانشین طالبانی آغاز شد

خبرهای ضد و نقیض از «هرگ» رییس جمهوری عراق

شرق: طالبانی، رییس جمهوری عراق از نظر پزشکی مرده است. این نقل قول روزنامه تودیززمان از منابع خبری فرانسوی است که جای بازگشتی برای رییس جمهوری عراق باقی نگذاشته است. این روزنامه اما در ادامه می‌نویسد هنوز هیچ‌یک از مقامات رسمی عراق-

صفحه ۱۵

سال دهم ، شماره ۱۶۴۱ ، صفحه ۱۶۰۰۰ تومان

روزنامه شرق

تترها

رییس دادگستری آذربایجان غربی:

شخص یا نهادی در آتش سوزی «شین آباد» مقصر شناخته نشد

صفحه ۶

«اتحادیه اروپا» منتظر پاسخ ایران

صفحه ۲

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مطرح کرد

امروز؛ قرائت گزارش مرگ ستار بهشتی در مجلس

صفحه ۲

در صفحات

آقای موحد، تولدت مبارک

یونس تراکمه /صفحه ۱۱

ادامه مهاجرت فرنگی کاران به جمهوری آذربایجان

صفحه ۱۳

از هر نظر بی ضرر

با پوریا عالی، هر روز در صفحه آخر

حرف اول

جای خالی سازمان برنامه و بودجه

حمید میرزاده

رییس پیشین سازمان برنامه و بودجه



ایران علاوه بر تنوع منابع کم‌نظیر معدنی و تولیدات کشاورزی در حوزه ذخایر هیدروکربنی دارای ۲۵۰میلیارد بشکه نفت به ارزش ۲۵هزارمیلیارد دلار است. نزدیک به ۲۰درصد منابع گازی جهان و پس از روسیه دومین ذخیره گازی اکتشاف شده به حجم نزدیک به ۲۸هزارمیلیارد مترمکعب متعلق به ایران است. اولین محموله نفتی ایران در سال ۱۹۱۳میلادی یعنی درست صدمسال پیش به انگلستان صادر شد. ظرف این صد سال تاکنون ۵۸میلیارد بشکه نفت در کشور تولید شده که ارزش این حجم تولید به قیمت‌های امروز ۵۰۰میلیارد دلار است.

در همین مدت معادل ۲۰میلیارد بشکه نفت هم تولید گاز داشته‌ایم که در مجموع بیش از ۱۰۰۰میلیارد دلار از منابع هیدروکربنی عایدی کشور بوده است. معادل حدود ۷۰۰میلیارد دلار از عایدات نفتی‌وگازی در داخل مصرف شده و نزدیک به ۱۰۰میلیارد دلار یعنی یک‌هشتم کل عایدات نفتی‌وگازی تبدیل به ارز شده و به کشور برگشته است. این را داشته باشید تا به سراغ آمار و ارقام دیگری برویم.

آقای احمدی‌نژاد، دولتی را تحویل گرفت که دو دولت قبل از ایشان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ به مدت ۱۶سال کار بازسازی خرابی‌های جنگ و به‌طور هم‌زمان بازسازی اقتصاد و زیربنای کشور را انجام داده بودند و رشد تولید ناخالص داخلی کشور در تمام سال‌های مذکور بالا و به‌طور میانگین حدود ۶/۴ درصد بود. باوجود بستری‌های زیربنایی وسیعی که در آن دوران آماده شد و با وجود درآمد حدود ۷۰۰میلیارد دلار از ۱۰۰۰میلیارد دلار درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز ایران در دولت ایشان که معادل بودجه یک قاره است، شاخص‌های اقتصاد کلان در هفت‌سال گذشته وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهند

ادامه در صفحه ۵

روایت علی مطهری از دیدار انتخاباتی با «آیت‌الله»

هاشمی: نامزد نمی‌شوم

گروه سیاسی، طاهره ریاحی: «آیت‌الله می‌آید؟» «هاشمی‌فستجانی کاندید نخواهد شد.» طرحد دولت وحدت ملی موفق و مخالفان»، «زآیت‌الله برای کاندیداتوری دعوت شده است.» «تاییدها و تکذیباها» این عبارات سه سال است که همواره از محافل سیاسی به گوش می‌رسد و بعد رسانه‌ها موضوع را پیگیری می‌کنند اما تا امروز هیچ خبری مبنی بر کاندیداتوری آیت‌الله هاشمی تأیید نشده است. روز جمعه رسانه‌ها خبر دادند جبهه انتخاباتی «صدای ملت» که با محوریت علی عباسپورتهرانی، حمیدرضا کاتوزیان و علی مطهری نمایندگان مجلس هشتم برای ورود به مجلس نهم تأسیس شده بود ملاقاتی با آیت‌الله داشتند و از ایشان برای حضور در انتخابات دعوت کرده‌اند. این خبر چند ساعت بعد به نقل از علی

مطهری تکذیب شد و نماینده تهرانی مجلس نهم اعلام کرد از این موضوع بی‌خبر است اما ۲۴ ساعت بعد مطهری به «پلنا» گفت: «ما به همراه چند نفر از همفکران خود تقریباً حدود سه هفته پیش خدمت آیت‌الله هاشمی‌فستجانی رسیدیم. من در آن جلسه گفتم که در شرایط کنونی کشور و در شرایطی که در حالت اضطراری قرار داریم و اقتصاد، فرهنگ و سیاست خارجی ما با مشکلاتی روبه‌رو شده است، کاندیداتوری آیت‌الله هاشمی

نکته

ایشان گفتند که به دلیل شرایط جسمی نمی‌توانم اما در عین حال گفتند که اگر کاندیدای معتدل و مقبولی باشد من از او حمایت می‌کنم

برای یک دوره چهار ساله می‌تواند کمک کند.» او ادامه داد: «در واقع بنده به ایشان گفتم که خوب است برای یک دوره چهارساله کاندیدای ریاست‌جمهوری شوید و با توجه به نفوذی که روی گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی دارید، کشور را به حالت تعادل برسانید تا اینکه در دوره بعدی فرد دیگری مسوولیت را بپذیرد. البته ایشان نپذیرفتند و گفتند که به دلیل شرایط جسمی نمی‌توانم این درخواست را بپذیرم اما در عین حال گفتند که اگر کاندیدای معتدل و مقبولی باشد من از او حمایت می‌کنم.» شاید اشاره هاشمی به حمایتش از کاندیدای معتدل و معقول، همان یافتن صدیقی مناسب برای پیشبرد ایده دولت وحدت ملی باشد. آن طور که مطهری به «پلنا» گفته در خصوص اسامی کاندیدای احتمالی مورد حمایت آیت‌الله در این جلسه

سخنی به میان نیامده است. نگاهی به سال‌های پس از انقلاب و نقش آیت‌الله هاشمی در عرصه سیاسی کشور نشانگر این است او اهل نظاره‌گری نیست. هاشمی در عرصه سیاسی کشور همواره با نقش‌آفرینی مستقیم داشته یا همان طور که امروز از او به عنوان «رییس‌جمهور سازه» نام می‌برند در پشت صحنه سیاست کشور موثر بوده است.

ادامه در صفحه ۲

فرشاد مومنی: سیاست‌های بی‌ثبات خطرناک‌تر از افزایش نقدینگی است

صفحه ۴

یادداشت

مقصر نیست؛ پاسخگو کیست؟

این مدرسه از قول مسوولان محلی حکایت دارد مردم روستا از گاز لوله‌کشی استفاده می‌کنند، چگونه است که مدرسه ابتدایی این روستا از چنین امکانی برخوردار نبوده است؟ قصور و تقصیر متوجه چه کسانی است؟ جایگاه مسوولیت در عرصه اخلاق، حقوق عرفی و حقوق نوشته ما کجاست؟ چگونه می‌توان تصور کرد کارشناسان محترم با نظریه کارشناسی‌شان از بخاری مدرسه و اینکه از زده خارج یا فرسوده بوده سخن به میان نیاروند، امری که در بررسی قضایه کمک کند. می‌تواند به تعیین جایگاه مقصران حادثه کمک کند. با این کارشناسی چگونه به این نظریه قطعی رسیده‌اند که «هیچ شخص یا نهادی» در این آتش‌سوزی مقصر نیست. توجیه این نتیجه‌گیری با کدام منطق و استدلال حقوقی و قضایی سازگار است؟ با وجود فوت تعدادی از دانش‌آموزان من فقط دو دست فرزندانم را از شما غیرقابل‌جبران چگونه به «قصیر به معنای قضایی» مسوولان این فاجعه اشاره نشده است. آیا از نظر مقامات محترم قضایی صرف عدم‌شکایت اولیای این دانش‌آموزان از مسوولان، دلیل شرعی، قانونی، عرفی و اخلاقی بر رضایت آنان تلقی می‌شود؟ به راستی انجام معالجات و ترمیم جراحی پلاستیک روی دست‌ها و صورت این دختران نوجوان و پرداخت دیه، به معنی جبران تمامی زیان‌های وارده مادی و معنوی به آنان خواهد داشت. اما آنچه که در عمل از روند‌های موجود دختتری ۱۰، ۹ ساله در این سن رشد و بویایی و سرزندگی با آن زخم‌های وحشتناک در جمع زندگان جایی نداشته و مرده‌ای است متحرک که یک عمر ویال گردن خانواده و یادآور درد و رنج همیشگی آنان خواهد بود؟ ریاست محترم دادگستری آذربایجان غربی با عنایت به جایگاه رفیع قضایی‌شان به این مهم واقفند که در چنین وضعیتی وظیفه دادستان محل وقوع حادثه ایجاب می‌کند، خود عملاً به دفاع از حقوق عمومی برخیزند! پاسخگویی در راستای احترام دستگاه عمومی با تقبل کامل مسوولیت این حادثه و دیگر حوادثی از این نوع به جد صداقت و شفافیت مسوولان را می‌طلبد. بیایم برای یکبار هم که شده صفحهای زیبای دنیای پیرامونی خویش را در رابطه با مسوولیت و احترام به افکار عمومی به کار بندیم.

علی مندنی‌پور حقوقدان



مصاحبه جناب آقای «وکال حیدری»، رییس کل دادگستری آذربایجان غربی با خبرگزاری ایسنا، باعنوان: «کارشناسان هیچ شخص و نهادی را در آتش‌سوزی شین‌آباد مقصر شناختند» مرا بر آن داشت تا با شتاب

نقد بهشتی بر کارنامه سازمان میراث

اغلب مردم فکر می‌کنند سازمان میراث متلاشی شده است

صفحه ۷



عکس: آپزین رهبر، شرق

یادداشت

دستکاری ممنوع

محسن ایندخواه کارشناس تامین اجتماعی



به دنبال انتشار غیررسمی پیش‌نویس لایحه قانون تامین اجتماعی مبنی بر ایجاد محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها در انجام تعهدات این سازمان در مقابل بیمه‌شدگان نگرانی‌هایی فرواری در میان شرکای اجتماعی این سازمان در مقطع حساس کنونی به وجود آمد. روح کلی این پیش‌نویس در حوزه بازتنسنگی افزایش سن و سابقه توام با افزایش نرخ حق بیمه و در حوزه ارائه خدمات درمانی، کاهش ارائه این خدمات به بیمه‌شدگان و خانواده‌های تحت تکفل در قالب حمایت‌های برنامه پایه و مکمل از یک سو و از سوی دیگر با مکانیزم‌هایی، برقراری فرانشیز و هل‌داکن هزینه‌های کم‌رشدن درمان بر روی بیمه‌شدگان می‌باشد. هرچند که به دنبال واکنش به موقع و مناسب کارفرمایان و بیمه‌شدگان این سازمان طی اطلاعیه‌ای به کلیه شرکای اجتماعی، اطمینان خاطر داد که لایحه جدید با نگاهی مبتنی بر نظرات علمی و ارتقا سطح خدمات و حفظ پایداری سازمان تدوین یافته که در نتیجه آن ارائه خدمات جامع‌تر و مطلوب‌تر به همراه خواهد داشت. اما آنچه که در عمل از روند‌های موجود در این سازمان مشاهده می‌شود و در فصل پنجم پیش‌نویس لایحه مذکور مشهود است، این سازمان در صدد کاهش سطح خدمات درمانی خود می‌باشد که در این راستا توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱- براساس تجربیات جهانی و توصیه‌ها و استانداردهای سازمان بین‌المللی کار، مهمترین و اساسی‌ترین رسالت سازمان‌های بیمه‌ای ارائه خدمات بازتنسنگی است و از کارافتادگی، درمان در برابر حوادث و بیماری‌هاست که در این میان درمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که ارائه خدمات درمانی جامع و مناسب را اولین سازمان‌های بیمه‌ای در خصوص جذب بیمه‌شدگان و مقدم شمرند بر سایر تعهدات و خدمات می‌دانند لذا تقریباً مشکل نظامات بیمه‌ای در کشورهای توسعه یافته یا پیشرو و بالطبع این ایران با سه مکانیزم

یک درس ساده

صادق زیبا کلام . استاد دانشگاه



سبک مدیریتی آقای احمدی‌نژاد درون هیات دولت و به عنوان رییس قوه مجریه، نه سبک خیلی غربی است نه پیچیدگی و لپه‌لپی دارد و نه ایشان نخستین کسی هستند که در

ایران، بر اساس چنین شیوهای مدیریت می‌کنند. در نظام مدیریتی ایشان، اساساً عناصری به نام «من فکر می‌کنم»، «به نظر من»، «بند این‌طور تصور می‌کنم» و الفاظ و عبارات مشابه، جایگاهی ندارند. جناب احمدی‌نژاد از طرف همه فکر می‌کنند نظر می‌دهند و تصمیم‌گیری می‌نمایند «دکتر» (اصطلاحی که اعضای هیات دولت و نزدیکان آقای احمدی‌نژاد در مورد وی به کار می‌برند) همه کاره است. در دولت نهم، بیش از نیمی از اعضای هیات دولت از کابینه اخراج شدند چون خلاف اعتقاد و باورهای «رییس» یا «دکتر» نظری داده و حرفی زده بودند. فی‌الواقع برای نجات دولت از نیاز به رای اعتماد مجدد به که آقای صفار هردی به همراه وزیر اطلاعات از کابینه عزل شده بود. به صورت صوری در کابینه ماند تا دولت نهم مجبور نشود برای گرفتن رای اعتماد در چند روز پایانی عمر خود، به مجلس برود. مسئله همین داستان در دولت دهم هم در شرف وقوع است. تعداد احرارهای و ادغامی‌ها آنقدر زیاد شد که ظاهراً دولت از نیاز به رای اعتماد مجدد به که آقای صفار هردی مجبور خواهد شد که برای گرفتن رای اعتماد به مجلس برود. البته به فهرست وزرای احراری می‌بایستی بیش از یکی دو جین معاون وزیر، استاندار، فرماندار، روسای سازمان‌های بزرگ دولتی، سفرا و سایر مدیران ارشد دستگاه‌های اجرایی را هم اضافه کرد که ظرف هفت سال و نیم گذشته توسط آقای احمدی‌نژاد کنار گذاشته شده‌اند. جالب است که در طی هیئت‌سنال ریاست‌جمهوری هاشمی‌فستجانی و خاتمی، یک وزیر یا مدیر ارشد کنار گذارده نشد. این ملاحظه در مورد آقای هاشمی‌فستجانی جدی‌تر هم می‌شود چرا که افزون بر اینکه ایشان در خیلی از مسایل اجرایی و مدیریتی، دقیق می‌شدند و دخالت می‌کردند، طیف همکاران ایشان خیلی متنوع‌تر از همکاران آقای احمدی‌نژاد بودند.

از مصطفی‌مین، بیرون نامدار،نژاده، حمدرضا عارف، عبدالله نوری، سیدمحمد خاتمی و حسین کمالی چپ گرفته تا مصطفی میرسلیم، هاشمی گلپایگانی، علی لاریجانی، علی‌محمد بشارتی، یحیی آل‌اسحاق و علی‌اکبر ولایتی جناح راست.

ادامه در صفحه ۲

نرم افزار مالی ، بازرگانی و فروشگاهی
بیش از ۱۰۰۰ مشتری
سه ماه پشتیبانی اینترنتی رایگان
تکلیفتم ضمانت بازگرداندن پول (عدم رضایت)
تنوع قیمت و امکانات
۰۶۹ ۸۸۱۹۳۲۱۷ - ۰۵۶ ۸۸۱۹۳۲۱۷
www.aryansystem.net

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۸۹۸۶۸۲۲
۸۸۹۸۶۸۲۱
۸۸۹۸۶۸۲۰

www.sharghdaily.ir

الوشرق
۸۸۹۸۶۸۳۸
پیام کوتاه
۳۰۰۰۴۶۹۹

یکشنبه **•** ۱۷ دی ۱۳۹۱ **•** سال دهم **•** شماره ۱۶۴۱ **•** ۷

شرق

صبحانه نخوردن یعنی جاق شدن	صفحه ۸
پنج علت اصلی طلاق در ایران	صفحه ۹
ضریب نفوذ اینترنت در ایران پایین تر از کشورهای منطقه	صفحه ۱۰

دریچه

تاریخ‌نگاری معماری؛ موضوعی فراموش شده

مجدالدین رحیمی . کارشناس میراث فرهنگی

● نگارش تاریخ از دیدگاه‌های مختلفی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تاریخ‌نگاری معماری ایران با تاکید و تکیه بر روش تحقیق‌های متناسب با این حوزه امری بسیار مهم و با اهمیت است. تبارشناسی معماری ایران در ادوار مختلف تاریخی می‌تواند یکی از رمزهای موفقیت ما در ایجاد هویت در معماری معاصر باشد. ایجاد ارتباط با گذشته و ادراک زیبایی‌های فرهنگ ایرانی و نحوه نمود این ذوق و هنر در یادگران باقی مانده از گذشتگان مقدر است. برای شناخت هرچه بهتر جیستی و چگونگی تحول در معماری باید تاریخ معماری را دانست. تاریخ معماری را نه با دیدگاه‌های غیرمعمارانه، بلکه به منظور شناخت تخصصی و صحیح این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد. منابع مکتوب فراوانی در حوزه تاریخ معماری به چاپ رسیده است. با نگاهی به این منابع، متوجه خواهیم شد که موضوع تاریخ‌نگاری معماری ایران با دیدگاه معارانه و زیبایی‌شناسی معماری دچار فراموشی بزرگی شده است. مناسفانه بسیاری از منابع مکتوب تاریخی که به مقوله تاریخ معماری ایران پرداخته است دارای دیدگاه‌های غیرتخصصی یا استدلال‌های غلط است. فراموش کردن جایگاه این موضوع موجب گردیده است ضعف معماری معاصر ایران اپیدمی گردد. یکی از علت‌های مهم خودباختگی، فقر هویتی و ضعف‌های معماری معاصر ایران بی‌توجهی به دستاوردهای خلاقانه معماران ایران در دوران مختلف بوده که تحت تاثیر این فقر اطلاعاتی این شرایط ایجاد شده است. آسیب‌شناسی و واکاوی علت‌های بروز شرایط کنونی در معماری ایران خود موضوع بسیار مهمی است که می‌بایست با دیدگاهی کللا تخصصی و به دور از تعصب و تحجر مورد توجه جامعه تخصصی معماری ایران قرار گیرد. روش تحقیق در معماری همچون بسیاری از حوزه‌های دیگر نیازمند رعایت سلسله مراحل تعیین شده‌ای است که برای ادراک و تحصیل آن باید پیشگويان و متخصصان این حوزه به طور خاص آن را تدوین و ارایه نمایند. دیدگاه غیرتخصصی شاید بتواند با عنوان مشاور در مسیر این موضوع تسهیل بخش باشد اما مشکل بزرگ جامعه تخصصی معماری ایران در حوزه تاریخ‌نگاری معماری عدم آرایه روش‌های مناسب و الگوهای استاندارد تحقیق در معماری است. یکی از فاکتورهای مهم پژوهش در هنر معماری فعالیت میدانی و درک محیطی است. ادراک بصری جلوه‌ها، بررسی و تحلیل تناسب و پیمون (واحدهای تکرار شونده در معماری) در ساختارهای مختلف الگوهای هنرمندی ایران را نمایان می‌سازد. معماری ایران در دوره‌های مختلف تاریخی از جایگاه والایی برخوردار بوده است. تحولات شگرف تکنولوژی معماری و تلفیق‌های هوشمندانه و هنرمندانه به کار گرفته شده در تزئینات وابسته به معماری در کارنامه معماران گذشته ایرانی شگوهمنانه می‌درخشند. امروزه نیز نسبت به مقتضیات زمان سطح تکنولوژی و فرهنگ زیستی شاهد برخی اتفاق‌های مطلوب در معماری معاصر می‌باشیم اما در مقیاس با کشور کهن و سرزمین جاودید ایران زمین معماران نتوانسته‌اند جایگاه شایسته‌ای در شأن این کشور در جامعه جهانی ایجاد نمایند.

خبر

انتشار شماره جدید دوفصلنامه «باستان‌پژوهی»

● شرق: شماره جدید مجله باستان‌پژوهی که در زمینه ایران‌شناسی و با محوریت باستان‌شناسی، تاریخ و سایر زمینه‌های مرتبط با میراث فرهنگی ایران منتشر می‌شود، انتشار یافت. در صفحات آف‌زاین این شماره از باستان‌پژوهی پرورنده‌ی درباره سیمین دانشور با عنوان «آبوی نویسنده و باستان‌شناسان» منتشر شده است که به سال‌های تدریس زندیاد سیمین دانشور در گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران می‌پردازد. در بخش «گامگ» این شماره، مقاله‌ای از حکمت‌اله مالاصل‌جی با عنوان «هخامنشیان؛ افتتاح عهدی نبوی در عصری سرنوشته‌ساز» منتشر شده است. نویسنده در این مقاله از منظری فلسفی-تاریخی و به طور گذرا به جنبه‌هایی از تحولات مهم فکری، مدنی و معنوی که با ظهور زرتشت پیامبر و سپس با تکوین و تشکل شاهنشاهی هخامنشی در تاریخ منطقه و جهان همراه بوده، پرداخته است. در این بخش همچنین مقاله‌ای از جان نیلیلیف با عنوان «چرا آلبندیا جوزه باهوش تر از یاسفر آیندرا گراهامت؟» ترجمه و منتشر شده که نقدی است بر رویکردهای باستان‌شناسان پاسفر آیندراگو و پاسمدرن. بخش بزرگی از مطالب این شماره از مجله باستان‌پژوهی پرورنده ویژه‌ای درباره تاریخ فرهنگ و هنر هخامنشیان از دیدگاه باستان‌شناسی است که با عنوان «جهان هخامنشی» منتشر شده است. این پرورنده بخش نخست از مجموعه‌ای است که به «جهان هخامنشی» در فراسوی مرزهای کنونی ایران می‌پردازد انتشار استاد و مدارک فراوان و گوناگونی نشان می‌دهد. باستان‌شناسان ترکیه‌ای ضمن کشف و نگهداری این آثار، نمایندگان ویژه‌ای از این آثار در سال ۲۰۱۰ میلادی ترتیب دادند که با بازسازی کامل ماکت آمراگه در مقیاس اصلی همراه بود و مورد توجه و استقبال بسیاری قرار گرفت. در بخش معرفی و نقد کتاب این شماره نیز یادداشت‌هایی به قلم کامیار عبیدی، شهرام زارع، عمران گارا‌زایان و شماری دیگر از پژوهشگران منتشر شده است. در این شماره همچنین گفت‌وگویی با عباس علیزاده (باستان‌شناس و استاد پژوهشی در موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیگاکو) و عبدالعجید ارفعی (استاد زبان‌های باستان‌ خاور نزدیک) با عنوان «همه در زیر پوست برادریم» منتشر شده است.

یکشنبه **•** ۱۷ دی ۱۳۹۱ **•** سال دهم **•** شماره ۱۶۴۱ **•** ۷

روزنامه

صبحانه نخوردن یعنی جاق شدن	صفحه ۸
پنج علت اصلی طلاق در ایران	صفحه ۹
ضریب نفوذ اینترنت در ایران پایین تر از کشورهای منطقه	صفحه ۱۰

یادداشت

مدیریت به شیوه باغبانی



● هر مدیر شیوه و سبک مدیریتی خاص خود را دارد؛ مثلا در نحوه برخورد با همکاران، شکل اداره سازمان تحت امر مواردی از این دست. با این حال به اعتقاد من مهم‌ترین اثری که از یک مدیر در محل کارش باقی می‌مذ این است که او چه تأثیری بر حوزه کاری خود گذاشته است. حال اگر با همین نگاه به دوره مدیریت سیدمحمد بهشتی در هشت سال حضورش در سازمان میراث فرهنگی نگاه کنیم به اعتقاد من مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دستاورد او تغییر نگاه و تلقی افکار عمومی و جامعه و همچنین خود کارکنان و کارشناسان میراث فرهنگی از مقوله میراث و آثار تاریخی بود.

با نگاهی به گذشته به راحتی اهمیت واقعی کاری که او کرد آشکار می‌شود. به عنوان مثال در دهه ۷۰ حمام «خسروآقا» در اصفهان تخریب شد، این حمام یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی بازمانده از دوره صفویه و منسوب به شیخ بهایی بود با این حال تخریب این اثر مهم هیچ تأثیری بر افکار عمومی نداشت و در نهایت بخشی از دست‌اندرکاران و علاقمندان میراث از شنیدن خبر متاثر شدند.

چند سال بعد در همان شهر، برج جهان‌نامه ساخته شد. اما اثری تخریب نشد و تنها منظر نقش جهان آسیب دید. با این حال مردم و افکار عمومی و رسانه‌ها به شدت به این موضوع واکنش نشان دادند، این نتیجه کارهایی است که سیدمحمد بهشتی در دوره مدیریت خود در سازمان انجام داد. او مساله میراث فرهنگی را برای جامعه به یک مساله اساسی و مهم تبدیل کرد. تغییری که او در حوزه ذهنی مردم انجام داد. برخی مدیران بیش از هر چیز قایل به انجام دادن اقدامات سخت افزاری و فیزیکی هستند و آنها را با آمار ردیف می‌کنند اما به نظر من کاری که بهشتی کرد و به اصطلاح در حوزه نرم‌افزاری بود مهم‌ترین اقدام برای میراث فرهنگی کشور بود. مثلا در ادبیات رسانه‌ای و مطبوعاتی ما تا پیش از دوره آقای‌بهشتی میراث هیچ جایگاهی نداشت و در نهایت از منظر حوادتی به آن نگاه می‌کردند در حد برداشت فرورشدگان عتیقه و… پس از آن اما این ادبیات ایجاد شد. امروز اغلب رسانه‌های کشور بخشی را تحت عنوان میراث فرهنگی دارند. این از ثمرات کار اوست.

بر اساس شناختی که من از سیدمحمد بهشتی دارم او برای کار خود اصولی دارد که به تعبیر خودش به شیوه مدیریت باغبانی از آن یاد می‌کند. در مقابل این شیوه نیز او مدیریت تجاری را مثال می‌زند. او می‌گوید باغبان و نسلر هر دو در اصل با چوب و درخت کار دارند، باغبان با رسیدگی به درخت‌ها و نهال‌ها آنها را ثمر می‌نشدند و از آنها میوه گل و زیبایی برداشت می‌کند اما تجار برای رسیدن به هدف خود درخت را قطع می‌کند تا آن طور که می‌خواهد از آن استفاده کند. بهشتی معتقد است در کار فرهنگ باید به شیوه مدیریت باغبانی کار کرد و باید از آنچه هست مراقبت و نگهداری کرد تا بهترین ثمر را بدهد.

از سبوی دیگر او یک مدیر فرهنگی است و سیاسی نیست، از همین‌رو برایش موضوعیت بحث مهم است، نه اینکه چه کسی بود است و چه کسی نیست. علاوه بر این من بر این باورم که موضوعی مانند میراث شبیه «شیشه» است، این شیشه در دعوا قطعاً می‌شکند و باید برای سالم بودنش در وضعیتی آرام و مسالمت‌جویانه کار کرد.



عکس: افروز جرییدی شرق

دیگری بر کیفیت اقدامات خود می‌دانند. به نظر شما این ادعا درست است؟
این کار، کار خوبی است که تعداد آثار تاریخی ثبت شده، چه در فهرست آثار ملی و چه در فهرست میراث جهانی، افزایش پیدا کند. اما همه کار سازمان میراث فرهنگی این نیست، موضوع حفاظت از آثار تاریخی به همین‌جا ختم نمی‌شود. وقتی می‌بینم شاگردم، که هنوز درش تمام نشده و کارشناسی خود را نگرفته است، می‌آید یا من مشورت می‌کند که فلان بنای تاریخی در فلان شهر را برای مرمت به او سپرده‌اند، من نگران می‌شوم. آن روزگار کارشناس ارشد مرمت باید سال‌ها زیر دست اساتید خیره بر تجربه، کارآموزی می‌کرد تا اجازه یابد دست به کار شود. اما حالا کارهای بزرگ به آدم‌های غیرحرفه‌ای سپرده می‌شود و این قطعا نگران‌کننده است.

آقای بهشتی شما در این عرصه هم مدیر بودید و هم متخصص هستید. به نظر تان ضعیف‌ترین بخش کار میراث فرهنگی در این سال‌ها کدام بوده است؟
به اعتقاد من در حوزه پژوهش تقریباً شاهد هیچ تولیدی توسط سازمان نستیم. در حوزه معرفی نیز بیشتر به آن دسته اقداماتی بها داده می‌شود که جنبه نمایشی دارد. موضوع حفاظت هم که عرض شد. در عین حال می‌دانم که کسانی در سازمان هستند که خیلی فعالیت می‌کنند اما مناسفانه متوجه مسائیل اصلی حوزه میراث نیستند. مثلا در یک بخش خیلی نیرو و انرژی فوق‌العاده‌ای می‌گذارند ولی نسبت به حوزه‌ای دیگر بی‌توجه می‌مانند. در حوزه نیروی انسانی هم وضعیت همین گونه است. بزرگ‌ترین ثروتی که سازمان دارد کارشناس خیره است. وقتی می‌بینم که دیگر کارشناس خیره چندانى در این سازمان نیست یا اگر هست بسیار اندک، فکر می‌کنم ضایعه بزرگی رخ داده است. همچنین تخمین‌ها حکایت از آن دارد که در کشور حدود یک میلیون بنا و ۲۰۰ هزار محوطه تاریخی وجود دارد. این حجم عظیم نیاز به حفاظت، مراقبت و احیا دارد. تازه این همه ماجرا نیست. بخشی از موضوع حفاظت به آثار منقول مربوط است که در موزه‌ها انباشته شده‌اند؛ بیش از سه میلیون شی تاریخی در کشور داریم که باید به آنها سر و سامان داده و به آنها رسیدگی شود.

در حالی که نمی‌دانیم چه اتفاقی دارد برایشان رخ می‌دهد. مهم‌ترین موزه ایران، موزه ملی است. وقتی این موزه دائما دچار تغییرات مدیریتی و گماشتن مدیران غیرمتخصص می‌شود نگران می‌شوم. نمی‌گویم اینها قصد سوء دارند اما گاهی با قصد خیر نیز می‌توان خسارت وارد کرد. علاوه بر این باید پرسید در حوزه پژوهش‌های مردم‌شناسی و زبان و گویش چه کاری انجام شده است؟ مرکز اسناد سازمان که یک گنجینه به تمام معنا بود را بار کرده و به شیراز فرستادند. گویا تصمیم گرفته‌اند آن را بازگردانند. می‌گویند خسارت سه بار اسباب‌کشی برابر است با یک آتش‌سوزی. با این معیار غیرمتخصص می‌شود نگران می‌شوم. نمی‌گویم اینها قصد سوء دارند اما گاهی با قصد خیر نیز می‌توان خسارت وارد کرد.

علاوه بر این باید پرسید در حوزه پژوهش‌های مردم‌شناسی و زبان و گویش چه کاری انجام شده است؟ مرکز اسناد سازمان که یک گنجینه به تمام معنا بود را بار کرده و به شیراز فرستادند. گویا تصمیم گرفته‌اند آن را بازگردانند. می‌گویند خسارت سه بار اسباب‌کشی برابر است با یک آتش‌سوزی. با این معیار غیرمتخصص می‌شود نگران می‌شوم. نمی‌گویم اینها قصد سوء دارند اما گاهی با حساب کنید چه مقدار خسارت در این رفت و برگشت به اسناد وارد شده است؟ و خیلی مسایل دیگر. البته و خوشبختانه در دوره مدیریت جدید سازمان تلاش می‌شود شرایط به وضعیت سال ۸۲ برگردد.

منظور تان از مدیریت جدید چه دوره‌ای است؟

منظور دوره آقای موسوی است که رییس سازمان میراث فرهنگی شد. او تلاش می‌کرد کارهایی انجام دهد. ولی مطمئناً خیلی فرصت‌ها از دست رفته است. کسی دیگر نمی‌تواند آن نیروی انسانی را بازگرداند. خلتی که در حوزه نیروی انسانی اتفاق افتاده به راحتی قابل جبران نیست. بسیاری از داشته‌های سازمان را نمی‌توان به جای اول بازگرداند. این خسارات غیرقابل جبران است. این دستگاه یک مأموریتی داشت و برای آن اسباب و لوازم اندکی به او سپرده شده بود. اما به همین اسباب و لوازم اندک هم خسارت وارد شد.

بسیاری از کارشناسان و از جمله خود شما، معتقدند که انتقال پژوهشگاه میراث فرهنگی از تهران به شیراز یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به ساختار و هویت علمی سازمان وارد کرد. حال اگر از شما مشاوره بخواهند که در این‌باره نظر دهید با بازگشت آن به تهران موافقتی یا آن را بی‌فایده می‌دانید و به نظر تان ماندنش در شیراز بهتر است؟
مسئلا بازگشت پژوهشگاه بهتر از این است که اصلا وجود نداشته باشد. فقط پژوهشکده باستان‌شناسی زمانی که به اینها تحویل داده شد ۳۷باستان‌شناس در اختیار داشت. بعد از رفتن به شیراز تعداد آنها کمتر از ۱۰ نفر شد. باید پرسید بقیه چه شدند؟ اگر پژوهشکده بر گردد آیا تعداد کارشناسان آن به زمان سابق بازمی‌گردد؟ جواب این سوال قطعاً خیر است.

شما اطلاع دارید آن کارشناسانی که همکاری‌ و ارتباطشان با پژوهشکده واقع گردند پس از انتقال به چه کاری مشغول شده‌اند و کجا هستند؟
عده‌ای بازننشستند و خانمشین شدند. عده‌ای هم از ایران رفتند. اما همین‌ها می‌توانستند در مدت هشت سال تعداد زیادی نیروی کارشناس و متخصص تازه نفس برای کشور پرورش دهند.



نقد بهشتی بر کارنامه سازمان میراث

اغلب مردم فکر می‌کنند سازمان میراث تلاشی شده است

در آن دوران سال‌ها زحمت کشیده شد تا کارشناسان تربیت شوند برای اینکه بتوانند با افکار عمومی ارتباط برقرار کنند. کارشناسانی که در فاصله سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ اندکی آموخته بودند تا با افکار عمومی و به زبان آنها صحبت کنند و دستاوردهای علمی خود را با مردم در میان بگذارند، به یکباره از گفت‌وگو با رسانه و ارتباط با افکار عمومی منع شدند. در این شرایط، برای جامعه این باور پیش می‌آید که انگار هیچ حفاری باستان شناسانه‌ای در حال انجام نیست. هیچ بنایی مبتنی بر اسلوب علمی مرمت نمی‌شود. در کنار این تصور خبرهای ناگوار مداوم و پشت سر هم که منتشر می‌شود، اغلب مردم فکر می‌کنند سازمان میراث فرهنگی تلاشی شده است. بخشی از سازمان که به شهرستان رفته، بسیاری از کارشناسان خیره نیز که با بازنشست، یا دور کار، یا برکنار شده‌اند. خوب نتیجه‌اش همین چیزی است که الان شاهدش هستیم. افکار عمومی نسبت به سازمان احساس اطمینان نمی‌کند. گویا این دستگاه یا توان حفاظت ندارد، یا حتی اینکه عزم حفاظت وجود ندارد. بحث خروج آثار از فهرست آثار ثبت ملی چیزی بود که از ۱۳۰۹ تا قبل از این دوره جدید هیچ وقت اتفاق نیفتاده بود. اما وقتی خود سازمان حفاظت از این آثار را بر می‌دارد و اعلام می‌شود که بعضی از آثار ثبت شده خارج کرده‌اند، باعث بدگمانی افکار عمومی می‌شود. خلاصه اینکه اگر روزگاری مردم احساس می‌کردند آثار



وقتی مدیران، راجع به یک دستگاهی که فعالیتش علمی است، اظهارنظر می‌کنند آن گفته ارزش علمی ندارد اما اظهار نظر کارشناس متخصص ارزش دارد. وقتی اظهار نظر علمی باشد افکار عمومی نسبت به آن واکنش مثبت نشان می‌دهد. اما وقتی همین نظرات توسط مدیران بیان می‌شود افکار عمومی نسبت به این نظرات توسط مدیران، راجع به یک دستگاهی که فعالیتش علمی است، اظهار نظر می‌کنند آن گفته ارزش علمی ندارد. اما اظهار نظر کارشناس متخصص ارزش دارد. وقتی اظهار نظر علمی باشد و توسط کسی که عالم به موضوع باشد ابراز شود، افکار عمومی نسبت به آن واکنش مثبت نشان می‌دهد. اما وقتی همین نظرات توسط مدیران بیان می‌شود افکار عمومی نسبت به آن دچار تردید است و همیشه در این فکر است که شاید چیزهایی هست که مدیر نمی‌خواهد به آنها اشاره کند.

پیش از اینکه می‌گویید منظور تان مشخصا چه دوره‌ای است؟

مربوط به حدود هشت سال پیش. آن زمان مسایل و اخبار تخصصی میراث فرهنگی از زبان کارشناس بیان می‌شد و نه از زبان مدیر. مدیران موضع مستقل ندارند. آنها باید از موقعیت خود و سازمان‌شان دفاع کنند و همیشه دنبال اثبات این موضوع هستند که کار خوب انجام می‌شود. در حالی که کارشناس هیچ غرض مدیریتی ندارد و فقط دنبال این است که یافته‌های جدید خود را طرح کند؛ که هم برای افکار عمومی جذاب بود و هم برای متخصصان امور. علاوه بر این مخصوصا از حضور و خودنمایی مدیران در عرصه رسانه پرهیز می‌شد.

وقتی مدیران، راجع به یک دستگاهی که فعالیتش علمی است، اظهار نظر می‌کنند آن گفته ارزش علمی ندارد. اما اظهار نظر کارشناس متخصص ارزش دارد. وقتی اظهار نظر علمی باشد و توسط کسی که عالم به موضوع باشد ابراز شود، افکار عمومی نسبت به آن واکنش مثبت نشان می‌دهد. اما وقتی همین نظرات توسط مدیران بیان می‌شود افکار عمومی نسبت به آن دچار تردید است و همیشه در این فکر است که شاید چیزهایی هست که مدیر نمی‌خواهد به آنها اشاره کند. کارشناسان مرتبط با میراث فرهنگی را داشته‌ایم، اما این کارشناسان هیچ‌گاه اظهار نظر نمی‌کردند؛ به دو دلیل، با اینکه رسانه‌ها سراغ‌شان نمی‌رفتند، یا آنها از گفت‌وگو با رسانه‌ها خودداری می‌کردند. دلیل نخست به این خاطر بود که نگاه رسانه‌ها همان نگاه عامه مردم بود؛ یعنی نسبت به تخریب میراث و قاچاق اشیای عتیقه حساس بود. طبیعتا این عرصه‌ای نیست که کارشناس اظهار نظر کند. پس کسی سراغش نمی‌رفت. آنان در مرمت و باستان‌شناسی و مردم‌شناسی و زبان‌باستانی کارشناس هستند. خیلی وقت‌ها صاحبه برایشان راحت نبود زیرا نمی‌دانستند چطور اظهار نظر کنند که در رسانه درست منعکس شود. کارشناس، زبان آکادمیک و تخصصی را خوب بلد است اما صحبت همه فهم برای عامه مردم تمرین و تجربه می‌خواهد. خیلی وقت‌ها کارشناسان این تمرین را نداشتند.



سید محمد بهشتی ۶۰ سال دارد و شش سال از این مدت را (سال‌های ۷۶ تا ۸۲) در راس سازمان میراث فرهنگی کشور گذرانده است. البته او چند سمت دولتی دیگر را هم در پیشینه خود دارد. اما پرونده بهشتی فقط به همین سمت‌های دولتی خلاصه نمی‌شود چرا که او مدرک کارشناسی ارشد مهندسی معماری خود را از دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی گرفته و عضو موسسه فرهنگی ایکوموس (شورای بین‌المللی بناهای تاریخی) و عضو هیات امنای انجمن مفاخر معماری ایران نیز هست. به دلیل همین سابقه مدیریتی و تخصصی، بسیاری او را یکی از بهترین صاحب‌منظران در زمینه میراث فرهنگی کشور می‌دانند. محمد بهشتی در این گفت‌وگو از اهمیت توجه مردم به مسایل میراث و روزگاری که بر این سازمان تخصصی در خلال دو دولت محمود احمدی‌نژاد رفته سخن گفته است.

حساسیت مردم و رسانه‌ها مدتی است به اخبار حوزه میراث فرهنگی و آثار تاریخی زیاد شده است. همین‌طور انتشار اخبار پیرامون تخریب و آسیب اشیا، بناها و محوطه‌های تاریخی به شکل چشمگیری افزایش یافته است. به نظر تان این حساسیت از کجا ناشی می‌شود؟ آیا اهمیت میراث تاریخی برای مردم ایران همیشه همین گونه بود؟

حساسیت افکار عمومی نسبت به اخبار حوزه میراث فرهنگی به خودی خود خیر خوبی است. اما حساسیت رسانه‌ها نسبت به این موضوع حکایت از چند نکته دارد؛ یکی البته حساسیت مردم و افکار عمومی به این قبیل اخبار است. خوشبختانه مردم ما حساس هستند و بسیاری حتی نزارحت می‌شوند. این اتفاق نشان دهنده این است که موضوع میراث فرهنگی از سرمایه اجتماعی برخوردار شده است. در حالی که همیشه این‌طور نبوده است؛ مثلا ۲۰ سال پیش تعداد کسانی که در مقابل خبر تخریب میراث از خود حساسیت نشان می‌دادند چندان زیاد نبود. از طرف دیگر این حساسیت حکایت از آن دارد که مردم از سازمان میراث فرهنگی یا از حوزه میراث فرهنگی هیچ خبری نمی‌شنوند که در آن غرض مدیریتی ندارد و فقط دنبال این است که یافته‌های جدید خود را طرح کند؛ که کارشناسان حوزه میراث فرهنگی برای معرفی فعالیت‌های خود، اعم از کوش‌های باستان‌شناسی و مرمت یا احیای یک اثر تاریخی، منتشر می‌کردند. پیش از این وقتی در محلی کوش یا مرمتی صورت می‌گرفت کارشناسی که روی این پروژه کار می‌کرد برای اطلاع‌رسانی در این‌باره با رسانه‌ها گفت‌وگو می‌کرد. آن روزها در رسانه‌های ما پر بود از اطلاعات زیاد مرتبط با میراث به نقل از این کارشناسان.

پیش از اینکه می‌گویید منظور تان مشخصا چه دوره‌ای است؟

مربوط به حدود هشت سال پیش. آن زمان مسایل و اخبار تخصصی میراث فرهنگی از زبان کارشناس بیان می‌شد و نه از زبان مدیر. مدیران موضع مستقل ندارند. آنها باید از موقعیت خود و سازمان‌شان دفاع کنند و همیشه دنبال اثبات این موضوع هستند که کار خوب انجام می‌شود. در حالی که کارشناس هیچ غرض مدیریتی ندارد و فقط دنبال این است که یافته‌های جدید خود را طرح کند؛ که هم برای افکار عمومی جذاب بود و هم برای متخصصان امور. علاوه بر این مخصوصا از حضور و خودنمایی مدیران در عرصه رسانه پرهیز می‌شد. وقتی مدیران، راجع به یک دستگاهی که فعالیتش علمی است، اظهار نظر می‌کنند آن گفته ارزش علمی ندارد. اما اظهار نظر کارشناس متخصص ارزش دارد. وقتی اظهار نظر علمی باشد و توسط کسی که عالم به موضوع باشد ابراز شود، افکار عمومی نسبت به آن واکنش مثبت نشان می‌دهد. اما وقتی همین نظرات توسط مدیران بیان می‌شود افکار عمومی نسبت به آن دچار تردید است و همیشه در این فکر است که شاید چیزهایی هست که مدیر نمی‌خواهد به آنها اشاره کند.

ما همیشه کارشناسان مرتبط با میراث فرهنگی را داشته‌ایم، اما این کارشناسان هیچ‌گاه اظهار نظر نمی‌کردند؛ به دو دلیل، با اینکه رسانه‌ها سراغ‌شان نمی‌رفتند، یا آنها از گفت‌وگو با رسانه‌ها خودداری می‌کردند. دلیل نخست به این خاطر بود که نگاه رسانه‌ها همان نگاه عامه مردم بود؛ یعنی نسبت به تخریب میراث و قاچاق اشیای عتیقه حساس بود. طبیعتا این عرصه‌ای نیست که کارشناس اظهار نظر کند. پس کسی سراغش نمی‌رفت. آنان در مرمت و باستان‌شناسی و مردم‌شناسی و زبان‌باستانی کارشناس هستند. خیلی وقت‌ها صاحبه برایشان راحت نبود زیرا نمی‌دانستند چطور اظهار نظر کنند که در رسانه درست منعکس شود. کارشناس، زبان آکادمیک و تخصصی را خوب بلد است اما صحبت همه فهم برای عامه مردم تمرین و تجربه می‌خواهد. خیلی وقت‌ها کارشناسان این تمرین را نداشتند.



صدرا محقق کشور گذرانده است. البته او چند سمت دولتی دیگر را هم در پیشینه خود دارد. اما پرونده بهشتی فقط به همین سمت‌های دولتی خلاصه نمی‌شود چرا که او مدرک کارشناسی ارشد مهندسی معماری خود را از دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی گرفته و عضو موسسه فرهنگی ایکوموس (شورای بین‌المللی بناهای تاریخی) و عضو هیات امنای انجمن مفاخر معماری ایران نیز هست. به دلیل همین سابقه مدیریتی و تخصصی، بسیاری او را یکی از بهترین صاحب‌منظران در زمینه میراث فرهنگی کشور می‌دانند. محمد بهشتی در این گفت‌وگو از اهمیت توجه مردم به مسایل میراث و روزگاری که بر این سازمان تخصصی در خلال دو دولت محمود احمدی‌نژاد رفته سخن گفته است.



سید محمد بهشتی ۶۰ سال دارد و شش سال از این مدت را (سال‌های ۷۶ تا ۸۲) در راس سازمان میراث فرهنگی کشور گذرانده است. البته او چند سمت دولتی دیگر را هم در پیشینه خود دارد. اما پرونده بهشتی فقط به همین سمت‌های دولتی خلاصه نمی‌شود چرا که او مدرک کارشناسی ارشد مهندسی معماری خود را از دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی گرفته و عضو موسسه فرهنگی ایکوموس (شورای بین‌المللی بناهای تاریخی) و عضو هیات امنای انجمن مفاخر معماری ایران نیز هست. به دلیل همین سابقه مدیریتی و تخصصی، بسیاری او را یکی از بهترین صاحب‌منظران در زمینه میراث فرهنگی کشور می‌دانند. محمد بهشتی در این گفت‌وگو از اهمیت توجه مردم به مسایل میراث و روزگاری که بر این سازمان تخصصی در خلال دو دولت محمود احمدی‌نژاد رفته سخن گفته است.